

راهبرد عربستان سعودی در بحرین و تأثیر آن بر جبهه مقاومت

سید شمس‌الدین صادقی^۱ و قدرت احمدیان^۲ و سارا زارع^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۹

چکیده: سیاست خارجی عربستان سعودی به شدت متأثر از ایدئولوژی وهابیت است. عربستان نگران افزایش نفوذ ایران و به دنبال حذف یا کاستن از نقش آن در منطقه است. این پژوهش می‌کوشد تا با دید هویتی رویکرد غالب سیاست خارجی عربستان نسبت به بحرین و تأثیر آن بر جبهه مقاومت را بررسی کند. بحرین اهمیت بسیاری برای عربستان و کشورهای عرب دارد. شناسایی مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده مبانی هویتی یک کشور کمک بسیاری در فهم چرایی کنش آن به دست می‌دهد. بنابراین با رویکرد سازه‌انگاری سطح واحد کاتزنشتاین و با توجه به هویت‌های دو کشور و با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی، به دنبال پاسخ به مسئله مقاله هستیم. یافته‌ها نشان داد، رویکرد غالب در سیاست خارجی عربستان نسبت به بحرین، رویکرد هویت‌محور است. سعودی‌ها با اهدافی چون محدودسازی ایران، سست کردن حلقه‌های محور مقاومت در منطقه، جلوگیری از سرریز شدن تحولات به مرزهای خود و تضعیف شیعیان می‌کوشند.

واژگان اصلی: بحرین، سیاست خارجی، عربستان سعودی، جبهه مقاومت و خلیج فارس.

۱. دانشیار علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشگاه رازی.

۲. دانشیار علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشگاه رازی.

۳. کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه رازی. (نویسنده مسئول)

مقدمه

در تنظیم روابط خارجی هر کشوری، درک و تبیین درست و کامل از قدرت و توان مالی، به-ویژه در بُعد سیاست خارجی، ویژگی‌ها و قاعده حاکم بر محیط منطقه‌ای و بین‌المللی، شناخت فرصت‌ها و آسیب‌پذیری‌های محیطی، تهدیدها و بسیاری از عوامل دیگر اهمیت دارد (بخشی، ۱۳۹۳: ۱۸۲). دولت‌ها باید هوشیار باشند که کدام عناصر و مؤلفه‌ها را در انعطاف‌پذیری استراتژیک خود نادیده بگیرند و بر سر چه اصولی از سیاست خارجی معامله کنند. بحرین کشور جزیره‌ای در جنوب خلیج فارس است. این کشور با حدود ۷۶۰ کیلومتر مربع وسعت، کوچک‌ترین کشور حوزه خلیج فارس است (هاشمی‌نسب، ۱۳۸۹: ۱۹). بحرین به دلیل موقعیت مجمع‌الجزایری و راهبردی، دارا بودن بزرگترین تصفیه‌خانه‌های نفت جهانی و همچنین قرار گرفتن پایگاه پنجم نیروی دریایی ایالات متحده در آن، از جایگاه برجسته‌ای در خلیج فارس برخوردار است. همانندی‌های مذهبی و جغرافیایی بحرین با ایران و عربستان باعث تفاوت آن از دیگر کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس شده است (پورحسن و سیفی، ۱۳۹۲: ۱۴۵). ترکیب جمعیت شیعی بحرین، همواره حساسیت‌هایی را برای کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس و به‌ویژه عربستان سعودی در برداشته است. بیشتر ساکنان منطقه شرقی عربستان، شیعه هستند. وضعیت آن‌ها همانند شیعیان بحرین است. بنابراین بحرین جایگاهی هویت‌محور در سیاست خارجی عربستان دارد.

این پژوهش می‌کوشد به روشی توصیفی-تحلیلی و برپایه نظریه سازه‌نگاری به این پرسش پاسخ دهد که انگاره‌های هویتی چه نقشی در سیاست خارجی عربستان در برابر بحرین داشته و چگونه می‌توان این نقش را تبیین کرد؟ در پاسخ، این فرضیه به آزمون گذاشته می‌شود که افزون‌بر رویکردهای مادی و واقع‌گرایانه، سیاست خارجی عربستان در برابر بحرین بر اساس انگاره‌های هویتی این کشور است. در واقع آن‌گونه که سیاست‌های معطوف به قدرت و ساختار مادی در جهت‌گیری سیاست خارجی ریاض در بحرین نقش داشته، در کنار آن، نظام هنجاری نیز اهمیت زیادی در سیاست خارجی و تعیین اهداف و استراتژی این کشور در بحرین داشته است.

چارچوب نظری؛ سازه‌نگاری کاتزنشتاین

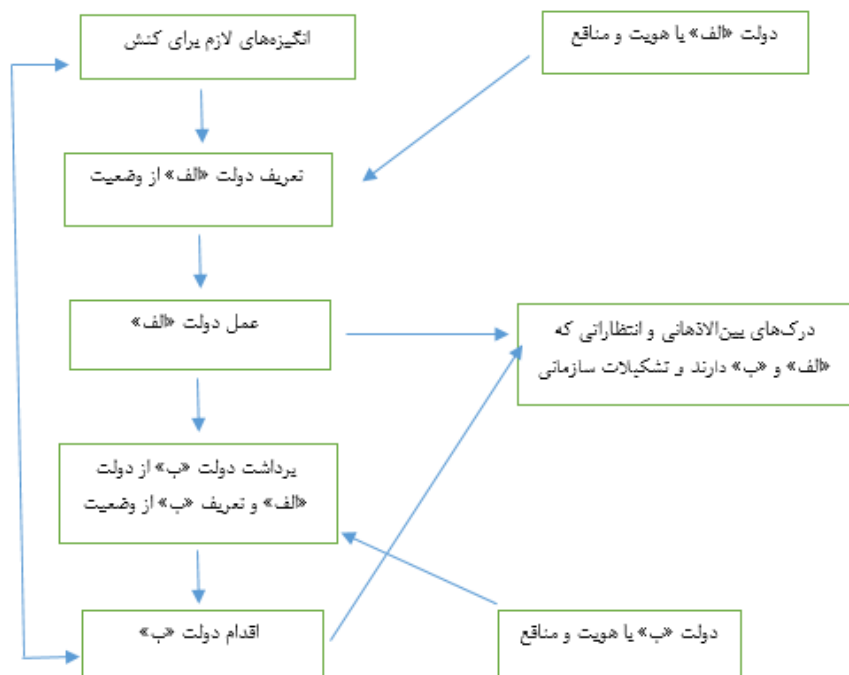
در نظریه‌های جدید روابط بین‌الملل، مسئله هویت کنشگران به عنوان محرک مؤثر در جهت‌گیری سیاست خارجی عمل می‌کند. دولت‌ها به عنوان کنشگران اصلی از مؤلفه‌های هویتی در

اتخاذ تصمیم‌ها و تأمین منافع سود می‌برند. سازه‌انگاری در پی پاسخ به این پرسش است که چرا کشگران حتی در موقعیت‌هایی که قواعد اجتماعی چه‌بسا با منافع مادی خودشان مغایرت دارد، باز هم به این قواعد وفادارند؟ (کورت و لگرد، ۱۳۹۰: ۲۸۳). سازه‌انگاران با طرح مسئله ایده‌ها و به دنبال آن هنجارها و هویت، به این نتیجه می‌رسند که رفتار دولت تابع آنچه فکر می‌کنند و مناسب تشخیص می‌دهند، است و نه آنچه قدرت انجام آن را دارند (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۳: ۱۸۹). همچنین این نظریه بر آن است تفسیری از سیاست هویت به دست دهد و راهی برای شناخت این مسئله ارائه کند که چگونه فرهنگ، تاریخ، هنجار، رویه‌ها و ارزش‌های مشترک و دیگر همبستگی‌های بین‌ذاتی یک به یک در تفسیر سیاست جهان نقش دارند (هویف، ۱۳۸۶: ۱۸۹).

شخصیت‌هایی چون امانوئل آدلر، میشل برنت، جفری چیکل، پیتز کاتزنشتاین، کریس رویس، توماس رایس، جان روجی، نیکلاس اونف، جان راگی، کوزلوسکی، کراتوچویل، هاف و الکساندر ونت، در توسعه سازه‌انگاری نقش قابل ملاحظه‌ای داشتند (ازغندی، ۱۳۸۳). آنچه در این نظریه جلب توجه می‌کند تأکید بر نقش هویت در شکل‌دهی به منافع کشورها است. هویت مبنای رفتار سیاسی است و به تبیین آن کمک می‌کند. کاتزنشتاین با بی‌توجهی کامل به نقش هنجارهای بین‌المللی در مشروط کردن هویت‌ها و منافع دولت‌ها، توجه را به عوامل تعیین‌کننده داخلی و درونی سیاست‌های ملی جلب می‌کند. این نوع سازه‌انگاری سطح واحد، در تبیین انواع هویت، منافع و کنش دولت‌ها، دارای فضیلت است. اگرچه این نوع سازه‌انگاری، در بین تشابهات دولت‌ها و الگوهای همگرایی در هویت و منافع دولتی، دچار مشکل است (برچیل و لینکلتر، ۱۳۹۲: ۲۵۸). کاتزنشتاین در کتاب «فرهنگ امنیت ملی»، ضمن توجه به مقولات هویت و هنجارها، بر تأثیرات متقابل محیط امنیتی و هویت کشورها می‌پردازد. وی می‌گوید: «محیط امنیتی نه تنها بر انگیزه‌های دولت‌ها جهت اقدام به شیوه‌های خاصی تأثیر می‌گذارد، بلکه بر ویژگی‌های اصلی آن‌ها یعنی هویت نیز مؤثر است و به آن شکل می‌دهد» (کاتزنشتاین، ۱۳۹۰: ۳۱). سازه‌انگاری با اشاره به اینکه هنجارها و فرهنگ‌ها و هویت‌ها نقش مهمی در سیاست خارجی دارند، هویت دولت‌ها را برآمده از تعامل اجتماعی و سیاست خارجی را عمل بر ساختن می‌داند. از این‌روست که اسمیت به تأسی از ونت گفته بود: «آناشسی چیزی است که دولت‌ها آن را می‌سازند» (یاقوتی، ۱۳۹۰: ۸). این ساختارهای معرفتی با تعامل میان دولت‌ها، معانی مشترکی را ایجاد می‌کنند. برپایه آن‌ها، «هویت» دولت‌ها شکل می‌گیرد. دولت برپایه درک و تصویری که از خود دارد به تعریف منافع

ملی می‌پردازد و سیاست خارجی آن‌ها بیشتر برآیند این تعریف از منافع است. شکل شماره ۱، تبیین وضعیت و فرآیند را نشان می‌دهد.

شکل شماره ۱: تعامل میان دولت‌ها



منبع: (شفیعی و زمانیان، ۱۳۹۰: ۱۲۴)

به طور کلی سازه‌انگاری در روابط بین‌الملل معتقد است که فراسوی توزیع عینی قدرت، تصور کشورها از توزیع قدرت دیگران است. همین تصورات است که یک ملت را قادر به تعامل با محیط می‌سازد. هویت به دولت‌ها اجازه می‌دهد که جهان را معنادار کنند، به دسته‌بندی دیگران اقدام کنند و واقعیتی سلسله‌مراتبی بسازند که در آن، خود دیگری تعریف شده است.

اهمیت بحرین در سیاست خارجی عربستان سعودی

هنگام تجزیه و تحلیل پس زمینه سیاست خارجی بحرین، باید به این واقعیت توجه کرد که کشور کوچک بحرین در چندین سازمان جهانی و منطقه‌ای عضویت فعال دارد: سازمان ملل متحد، صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و سازمان بهداشت جهانی در

سطح جهانی و در سطح منطقه‌ای: لیگ کشورهای عربی، سازمان عربی کشورهای صادرکننده نفت، شورای همکاری خلیج فارس و سازمان کنفرانس اسلامی (Bahrain Informacja o stosunkach gospodarczych z Polską, 2017).

با توجه به شاخص‌های اقتصادی، بحرین یک کشور صنعتی است. بیشترین درآمد ملی آن از استخراج نفت و گاز طبیعی و نیز صنعت پردازش نفت است (۸۶ درصد). بحرین در بخش خدمات نیز نقش فعال دارد، اما کشاورزی در حاشیه است (۰/۳ درصد). نرخ بیکاری در بحرین بسیار کم و در سال ۲۰۱۴، تنها ۴/۱ درصد بود. در سال‌های گذشته بحرین به علت کاهش جهانی قیمت نفت و بی‌ثباتی اقتصادی ناشی از بهار عربی، کسری بودجه ۴ میلیارد دلاری (۱۳ درصد GBP) را ثبت کرد. برای جلوگیری از چنین وضعیتی، در دهه اول قرن بیست و یکم، دولت بحرین اقداماتی را برای هدفمند کردن تنوع منابع درآمدی انجام داد. یکی از آن‌ها، پیاده‌سازی توافقنامه تجارت آزاد ایالات متحده- بحرین (توافقنامه تجارت آزاد در ۱۱ ژانویه ۲۰۰۶) بود. در این توافق، میان ایالات متحده و کشورهای حاشیه خلیج فارس تجارت آزاد انجام می‌شد (Bahrain Free Trade Agreement, 2017).

به دلیل شبکه ارتباطات و حمل و نقل پیشرفته در بحرین، این کشور محل استقرار بسیاری از شرکت‌های بین‌المللی است. شرکت‌هایی که منافع خود را در حوزه خلیج فارس قرار داده‌اند. بحرین همچنین مرکز پیشرو بانکی در منطقه فرعی است (Business Friendly Bahrain, 2017). شرکای تجاری اصلی بحرین که بیشتر به آن‌ها محصولات نفتی، گازی، آلومینیوم و پارچه صادر می‌شود، عربستان سعودی (۳,۶ درصد)، امارات متحده عربی (۲,۴ درصد) و ایالات متحده آمریکا (۲,۲ درصد) هستند. در واردات نیز محصولات نفت خام، ماشین‌آلات و مواد شیمیایی از بزرگترین شرکای بحرین، یعنی عربستان (۲۱,۱ درصد)، ایالات متحده (۹,۵ درصد)، چین (۷,۶ درصد)، ژاپن (۶,۶ درصد)، استرالیا (۵,۱ درصد) و هند (۴,۹٪) وارد می‌شود (Czornik, 2017: 187). پس ارتباطات اقتصادی منامه با ریاض بسیار قوی است.

یکی از دلایل اصلی اهمیت بحرین برای سعودی‌ها، موقعیت استراتژیک این کشور در نزدیکی با مناطق شرقی عربستان است. بزرگترین منابع نفتی عربستان در شرق آن است. از حیث جمعیت، اقلیت شیعیان عربستان در شرق این کشور زندگی می‌کنند. با شروع بیداری اسلامی علیه آل سعود، سیاست تغییر ترکیب جمعیتی منطقه به اجرا گذاشته شد. نزدیکی شیعیان شرق عربستان

و بحرین با توجه به سیاست‌های ضد شیعی دو کشور، این منطقه را به انباری از باروت برای این دو رژیم بدل کرده است. از ابتدای شروع تظاهرات مردمی علیه رژیم آل‌خلیفه، ریاض حمایت همه‌جانبه خود را از بحرین اعلام و اعمال کرد. عربستان می‌داند که بحرین در این منطقه و از دست دادن آن می‌تواند به بحرانی عمیق بیانجامد (بلاغ‌نیوز، ۱۳۹۴). از نگاه عربستان موفقیت شیعیان در بحرین موجب تسری به شرق این کشور و ایجاد چالش‌های امنیتی و اقتصادی برای آل‌سعود می‌شود. ضمن آنکه بحرین حلقه وصل عربستان از راه خلیج فارس به تنگه هرمز و آب‌های آزاد است. در نتیجه بحرین نقش مهمی در حفظ توازن قوا در منطقه خلیج فارس دارد (Katzman, 2005: 4). پل ارتباطی ملک‌فهد، ضمن مزایای استراتژیک برای عربستان، در زمانی مانند اسفند ۱۳۸۹ و سرکوب انقلاب بحرین، ناقل بحران‌های سیاسی است. این بحران می‌تواند از بحرین آغاز شده و به سراسر شرق عربستان برسد. عربستان می‌کوشد عامل مهم تهدید داخلی خود را شیعیان معرفی نماید. انشقاق ژئوپلیتیکی در عربستان می‌تواند برای دو دستگی سیاسی در زمان‌های فشارهای داخلی، اساسی باشد. تاکنون عربستان قدرت نظامی و سیاسی برای تقویت اتحاد را با ثروت نفتی، سرکوب، حمایت نظامی ایالات متحده و اتحاد با رهبری بنیادگرای مذهبی در این کشور حفظ کرده است (کوهن، ۱۳۸۷: ۶۸۲).

یافته‌های پژوهش

۱) انگاره‌های هویتی و تبیین سیاست خارجی عربستان در برابر بحرین

آنچه که به بحرین در منطقه خلیج فارس اهمیت بخشیده و موجب جایگاه ویژه آن در سیاست خارجی عربستان سعودی شده، عبارت است از:

۱-۱) بعد جغرافیایی و ژئوپلیتیکی بحرین

یکی از ابعاد هویت ملی، بعد جغرافیایی آن است. از دیرباز اندیشمندان گوناگون به بررسی تأثیرات شرایط جغرافیایی بر مؤلفه‌های اجتماعی پرداخته‌اند. ژئوپلیتیک نقش تعیین‌کننده‌ای در راهبردهای سیاست خارجی به‌ویژه در بعد منطقه‌ای دولت‌ها دارد. دولت‌ها به عنوان بزرگترین بازیگران سیاسی، خط‌مشی‌ها، سیاست‌ها و الگوهای رفتاری خود نسبت به یک فضا را بر اساس یک تصور ژئوپلیتیکی شکل می‌دهند. عمل سیاسی یک کشور نسبت به یک کشور دیگر نیز ناشی از تصور ژئوپلیتیکی آن است (سلطانی‌نژاد، ۱۳۸۵: ۱۰۶).

بحرین، متشکل از مجمع‌الجزایری در آب‌های جنوبی خلیج فارس، میان قطر و عربستان سعودی است. در گذشته به منطقه ساحلی جنوب خلیج فارس حد فاصل بصره تا بحرین امروزی بحرین گفته می‌شد که بخشی از عربستان، از جمله احساء را نیز دربرمی‌گرفت (وثوقی و کالبراد، ۱۳۸۸: ۱۴۲). این کشور محاط در آب‌های خلیج فارس است و مرز زمینی ندارد. بحرین تنها با گذرگاهی به طول ۲۵ کیلومتر، به کشور عربستان سعودی متصل است (افضلی، ۱۳۹۵). بحرین در مسیر ترانزیت نفت خلیج فارس است. اگرچه مجمع‌الجزایری کوچک و نسبت به دیگر همسایگان منافع کمتری دارد، اما بحرین دارای موقعیت راهبردی و پیوستگی سرزمینی و فرهنگی با مناطق شیعه‌نشین عربستان است. مناطقی چون قطیف و احساء، شهرهای کلیدی منطقه الشرقیه عربستان هستند و شیعیان ناراضی آن ۱۵٪ جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند. الشرقیه به لحاظ موقعیت ژئوپلیتیکی و راهبردی نقشی به‌سزا و حساس در سیاست خارجی عربستان سعودی ایفا می‌نماید (پارساپور، ۱۳۹۱: ۳۶). بنابراین بحرین به‌واسطه موقعیت جغرافیایی دارای پیوند ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی با عربستان سعودی است. این پیوند جایگاه ویژه‌ای به بحرین در سیاست خارجی عربستان داده است.

۱-۲) بُعد دینی و شیعی کشور بحرین

بُعد دینی فرآیندی است که افراد یک گروه طی آن با برخورداری از دین و تعالیم مذهبی مشترک پایبندی و وفاداری خود را به آن حفظ نموده و با تمایل به انجام مناسک و آیین‌های مذهبی فراگیر به شکل دهی و تحکیم آن می‌پردازند (رفعت‌جاه و شکوری، ۱۳۸۷: ۶). ماهیت دین و مذهب به‌گونه‌ای است که جهت‌گیری‌های اصلی را در امور حساس، فراروی حاکمان ترسیم کرده و معیار تعریف خیر/دوستی و شر/دشمنی است. اسلام، دین رسمی کشور بحرین است. هفتاد و پنج درصد مسلمانان این کشور شیعه و بقیه سنی هستند. خاندان سلطنتی نیز اهل تسنن است. بنابراین حکومت سنی بیشترین جمعیت شیعه را اداره می‌کند. برخی شیعیان بحرین ریشه ایرانی دارند. شیعیان از دیرباز بیشینه جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند و کمترین سهم و مشارکت سیاسی را در مناصب بالای حکومتی دارند. آن‌ها به شکل فزاینده‌ای خود را به لحاظ سیاسی در حاشیه و به لحاظ اجتماعی محروم احساس می‌کنند. طی سال‌های گذشته هرگاه شیعیان تلاش کرده‌اند، از راه‌های مشروع، مسالمت‌آمیز و دموکراتیک، پوسته حکومتی تبعیض‌آمیز را بشکنند، سرکوب شده‌اند (اسدی، ۱۳۹۰: ۴۳). از نگاه عربستان موفقیت شیعیان در بحرین موجب تسری به

شرق این کشور و ایجاد چالش‌های امنیتی و اقتصادی برای آل‌سعود می‌شود.

۳-۱) بعد سیاسی و دموکراسی خواهی در بحرین

بعد سیاسی هویت ملی، مهمترین مؤلفه هویت ملی را تشکیل می‌دهد. هویت ملی در بعد سیاسی یعنی افرادی که از لحاظ فیزیکی و قانونی عضو یک نظام یا ساختار سیاسی هستند و داخل مرزهای یک کشور زندگی می‌کنند و موضوع یا مخاطبین قوانین آن کشور هستند، از لحاظ روانی هم خود را از اعضای سیستم بدانند (ابوالحسنی، ۱۳۸۷: ۱۶). ماهیت رژیم سیاسی بحرین، پادشاهی مشروطه است. مطابق با قانون اساسی این کشور، هرچند قوای سه‌گانه مستقل بوده، مجاز به اعمال نفوذ در وظایف و اختیارات یکدیگر نیستند؛ اما در عمل هر سه قوه زیر نظر مستقیم امیر بحرین است که همراه با ولیعهد و نخست‌وزیر بر کشور حکمرانی می‌کنند (رضایی‌پناه، ۱۳۹۳).

از زمانی که خاندان آل‌خلیفه در سال ۱۸۸۳ میلادی بر بحرین حاکم شدند، تاریخ سیاسی این قلمرو دوران متفاوتی را آغاز و تجربه کرده است. دورانی همراه با نبود آزادی سیاسی که از همان آغاز موجب اعتراضات و ناآرامی‌های مردمی را فراهم کرده است. دولت و حکومت بحرین، دارای یک فرهنگ قبیله‌ای و شیخ‌سالاری است. بیشتر مردم بحرین فرهنگ شهرنشینی مدرن و نوخواه دارند (مجته‌زاده، ۱۳۷۵). همین امر باعث بحران مشروعیت در ساختار حکومتی بحرین شده است. به دلیل همین فضای بسته سیاسی است که مردم بحرین دوشادوش مردم جهان عرب از ۲۴ بهمن ۱۳۸۹ به خیابان‌ها آمده و خواستار تغییرات اساسی در ساختار سیاسی کشورشان شدند. حکومت‌های سنی، به‌ویژه عربستان، به رخدادهای بحرین توجه ویژه‌ای دارند (هاشمی‌نسب، ۱۳۸۹: ۱۹).

عربستان با توجه به ماهیت پادشاهی و موروثی، طبیعی است که در مقابل انقلابات و جنبش‌های بحرین موضع‌گیری کند. جنبش‌ها در صدد ایجاد تغییر در ساختارها و پدید آوردن تغییرات جدید هستند. عربستان با توجه به همسانی ساختارهای سیاسی کشور خود با بحرین، پایه‌های حکومت خود را در برابر موج تحولات اعتراضی متزلزل یافته و در جهت مقابله با آن برآمد. این پیوند سیاسی و حکومتی به بحرین جایگاه ویژه‌ای در سیاست خارجی عربستان سعودی بخشیده است. از این دید بحرین در محور نخست جهان‌بینی سیاسی سعودی قرار دارد و از جمله فوری‌ترین مسائل سیاست خارجی عربستان، حفظ و ثبات این کشور پادشاهی است (احمدیان، ۱۳۹۰: ۸۸).

جدول شماره ۱: نوع و شکل حکومت دو کشور

کشور	شکل و نوع حکومت	رئیس حکومت	اساس مشروعیت
بحرین	پادشاهی	اجرائی	حاکم در نهادهای حکومتی اعمال نفوذ و تقسیم قدرت می‌کند
عربستان	پادشاهی	اجرائی	قدرت تنها در اختیار رئیس حکومت است

منبع: نگارنده

۱-۴) بُعد اقتصادی - اجتماعی بحرین

کشور بحرین از دیرباز به دلیل موقعیت استراتژیک و جغرافیایی در آب‌های خلیج فارس، از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. بحرین در گذشته، راه ارتباطی بین اروپا و هند و یک مرکز تجاری میان خاور دور، شبه‌قاره هند و کشورهای غرب آسیا بود. همچنین به دلیل وجود پایگاه نظامی در آن، اهمیت ویژه‌ای دارد. موقعیت خاص بازرگانی، صنایع آلومینیوم و صنایع نفتی و پتروشیمی مهم‌ترین سهم را در درآمد ناشی از صادرات بحرین داراست. این کشور همچنین یکی از مهم‌ترین مراکز ارتباطی، مخابراتی و بانکی در منطقه است (کوشکی و ناظم‌پور، ۱۳۸۹: ۱۶۲).

کشور بحرین یک منطقه بالقوه اقتصادی است. به دلیل دارا بودن شرایط خاص جغرافیایی و سیاسی، مزایای فراوانی برای جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی دارد. بحرین مکان مناسبی برای جذب پول‌های به دست آمده از فروش نفت به شبکه‌های بین‌المللی بانکی و پولی است. موقعیت جغرافیایی این کشور در نزدیک بودن به بازار بزرگ مصرفی عربستان و مرکزیت بحرین در خطوط کشتیرانی و رفت‌وآمد آزادانه کشتی‌ها که اغلب به بنادر ثروتمند جنوب خلیج فارس رفت-وآمد می‌کنند، از مزایای جغرافیایی و اقتصادی این کشور است (برزگر، ۱۳۸۰: ۷۵۰).

کشور بحرین از نظر اجتماعی نیز به گونه‌ای است که در آن، شرایط برای یک زندگی غربی فراهم است. امروزه نظام آموزش در بحرین از سطح بالایی برخوردار است. مردم همگام با الگوهای زندگی غربی در حفظ فرهنگ خود نیز کوشا هستند. بحرین به علت موقعیت مناسب گردشگری مانند هتل‌ها، وسایل سرگرمی و تفریحی و آزادی رفت‌وآمد و تسهیلات فراوان در اعطای روادید و تشریفات گمرکی، میزبان سفرهای زیاد خارجیان شده است. این سفرها بر فرهنگ مردم و تحول در جامعه بحرین بی‌تأثیر نبوده است؛ به صورتی که مدرنیزاسیون در بحرین

نمایان است. اشتغال تعداد فراوانی از مردم بحرین به صید مروارید نیز موجب افزایش تماس با خارجیان شده و موجب رشد بافت اجتماعی جدیدی در بحرین شده است. بحرین با دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس که هنوز هم تا حدود زیادی پایبند به سنت‌های قبیله‌ای هستند، متفاوت و در تضاد است (بحرانی، ۱۳۸۱: ۱۰۷). ستم رژیم آل خلیفه علیه شیعیان باعث نارضایتی دائمی و کاهش مشروعیت رژیم سیاسی و بروز عینی این نارضایتی به صورت اعتراض‌های مردمی شده است (جتی، ۱۳۹۱: ۵۳-۵۲). برای مهار این آشفتگی، دولت بحرین بر همسایه سعودی خود تکیه می‌کند. تحول و تغییراتی که در بحرین توسط شیعیان آن در حال شکل‌گیری است، در بین شیعیان عربستان سعودی هم بی‌تأثیر نبوده است. هم‌اکنون تحرکاتی نیز در بین مناطق شیعه‌نشین عربستان سعودی به چشم می‌خورد (شیرازی، ۱۳۹۱: ۶۵).

۲) راهبرد عربستان سعودی در بحرین و تأثیر آن بر جبهه مقاومت

سیاست خارجی عربستان سعودی به عنوان بازیگر مهم منطقه‌ای، نشان می‌دهد که عربستان می‌کوشد تا با به کارگرفتن یک سیاست خارجی محافظه‌کارانه مانع از تسری موج انقلاب‌های منطقه به مرزهای داخلی خود شود. در این نوع از سیاست خارجی، بازیگر می‌کوشد تا ضمن حفظ وضع موجود و خشی‌سازی مؤلفه‌های تأثیرگذار برای تغییر در نظم حاکم، این نوع از منطق را از راه دیپلماسی در عرصه سیاست خارجی عملیاتی کند. تحلیل سیاست خارجی عربستان نشان می‌دهد که آن‌ها برای حفظ نظم منطقه‌ای تنها ناظر تحولات نبوده بلکه برای حفظ ساختارهای منطقه‌ای می‌کوشند تا با حضور تمام‌قد، بر روی مؤلفه‌های تأثیرگذار در این انقلاب‌ها اثر بگذارند. عربستان می‌خواهد با به کارگیری ابزارهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی فضای انقلاب‌های منطقه‌ای را به نفع خود مدیریت کند (مدنی و هواسی، ۱۳۹۳: ۶۵).

عربستان یکی از کشورهای است که درگیر بحران‌های ناشی از بهار عربی در منطقه غرب آسیا است. این کشور تلاش می‌کند تا به نوعی از ورود بحران به خاک خود جلوگیری کند. به عبارت دیگر عربستان به صورت سنتی یک بازیگر محافظه‌کار در منطقه بوده و در رابطه با تحولات بیداری اسلامی در جهان عرب به دنبال حذف تهدیدات و حفظ امنیت خود است (Barzegar, 2012: 2). در نتیجه عربستان سعودی با انجام اقداماتی در بحرین به دنبال تضعیف محور مقاومت و جلوگیری از قدرت‌یابی ایران در منطقه است.

۲-۱) حفظ پادشاهی سنی و اقتدارگرا

یکی از عوامل مهم تبیین‌کننده سازوکار تصمیم‌گیری در کشورهای گوناگون، شکل و ماهیت نظام سیاسی و ترکیب نخبگان آن است. منبع عمده مشروعیت‌بخش نظام سیاسی عربستان سنت است. سنت از یک طرف ریشه در ویژگی‌های قبیله‌ای، عشیره‌ای و طایفه‌ای عربستان دارد و از سوی دیگر در ارتباط با مذهب سنی وهابی است. رویکرد این نوع حکومت‌ها محافظه‌کاری است. این نوع حکومت‌ها نسبت به تغییرات تند، ناگهانی، مترقی و انقلابی واکنش هراس‌آلود دارند. عربستان در تلاش است تا برآیند تحولات منطقه را در کنترل خود درآورده، سپری در جهت حفاظت از دیگر پادشاهی‌های منطقه از چنگ قیام‌های مردمی ایجاد نموده و از سرنگونی شمار بیشتری از حکومت‌های سرکوبگر در نتیجه اعتراضات مردمی جلوگیری نماید (شیرازی، ۱۳۹۱). در حوزه سیاست خارجی، این نوع نظام‌ها خواهان حفظ وضع موجود در قالب داشتن روابط استراتژیک با قدرت‌های جهانی، سرکوب نهضت‌ها و جنبش‌های ملی‌گرایانه، مردمی و دموکراتیک و پیگیری سیاست‌های میلیتاریستی منطقه‌ای و حتی فرامنطقه‌ای هستند. با لحاظ کردن مختصات تئوریک مذکور یکی از انگیزه‌های اصلی عربستان در سرکوب و مقابله با جنبش مردمی بحرین رمزگشایی می‌شود (Blanchard, 2012: 6).

۲-۲) جلوگیری از تغییر در ساختار حکومتی عربستان سعودی

پادشاهان سعودی با سنت‌شکنی میانه خوبی ندارند؛ مگر آنکه سنت‌شکنی مذکور در بطن «حفظ قدرت سیاسی حداقلی سعودی‌ها» تعریف شود. شروع روند بیداری اسلامی در غرب آسیا در یک تحلیل به ضرر عربستان سعودی بود. بحران در بحرین هم شرایط را برای عربستان سعودی نگران‌کننده کرد. این نگرانی دارای ویژگی‌های خاص خودش است و اگر بحرین را هم از دست بدهد محور مقاومت به مرکزیت ایران تقویت خواهد شد. حاکمان سنی و وهابی تندرو ساکت ننشسته‌اند و برای حفظ قدرت خود دست به اقداماتی می‌زنند؛ مانند جنگ سی‌وسه روزه که سران عربستان سعودی، اردن و مصر خواهان پیروزی رژیم اسرائیل شدند تا حزب‌الله پیروز نشود (شیرازی، ۱۳۹۱: ۶۸). اقدام دیگر در بحث هلال شیعی بود که اجتماعی علیه ایران را شکل دادند. پیروزی شیعیان لبنان، بحرین، قطیف، الاحسا و عراق می‌تواند شرایط قدرت را در منطقه خلیج فارس عوض کند و قدرت وهابی‌های تندرو و قدرت‌های فرامنطقه‌ای که در رأس آن عربستان سعودی است را کاهش دهد. به همین دلیل است که آمریکا و عربستان هر دو منفعت

مشترکی در حفظ رژیم آل خلیفه دارند (Swift, 2012:1-11).

۳-۲) مقابله با رقابت‌های منطقه‌ای از جمله ایران

عربستان تحولات بحرین را در چارچوب ماتریس تعارضات و رقابت‌های منطقه‌ای با ایران می‌بیند. آن‌ها از تحولات خطرناک ژئوپلیتیکی و استراتژیک توسعه نفوذ ایران در این زمین بازی دلهره دارند. این در حالی است که منطق و دینامیسم تحولات منطقه مسایل دیگری است. در بحرین اعتراضات شیعیان، ناشی از فشارهای ساختاری و تبعیض‌های رژیم آل خلیفه است. در مقابل عربستان با خوانشی نیابتی از اعتراضات شیعیان بحرین، خود را به عنوان رقیب منطقه‌ای ایران و برادر بزرگتر اهل سنت، وارد صحنه می‌کند. عربستان بر اساس رقابت منطقه‌ای با ایران، حفظ بحرین را مساوی حفظ جهان عرب می‌داند و شکست یا پیروزی آل خلیفه را شکست یا پیروزی خود می‌پندارد. منطق عربستان از روی کار آمدن یک دولت شیعی در بحرین، این است که این دولت دست‌نشانده ایران خواهد بود و در واقع عربستان با ایران همسایه خواهد شد. لذا به دلیل همسایه شدن با ایران، عمق استراتژیکی‌اش را از دست می‌دهد. بنابراین تلاش می‌کند در رقابت ژئوپلیتیکی با ایران امکان چنین تحولی را در منطقه ندهد (ابراهیمی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۳۴).

۴-۲) جلوگیری از نفوذ شیعیان بحرین در عربستان سعودی

تحولاتی که در بحرین توسط شیعیان آن در حال شکل‌گیری است، در بین شیعیان عربستان هم بی‌تأثیر نبوده و تحولاتی بین مناطق شیعه‌نشین عربستان سعودی به چشم می‌خورد. ریاض همیشه تلاش داشته تا از ارتباط بین شیعیان جوشن‌ها، با شیعیان زیدها و دوازده امامی‌ها در عربستان سعودی جلوگیری کند. حتی شیعیان را در سراسر کشور پراکنده کند تا به یک قدرت بزرگتر و تأثیرگذارتر تبدیل نشوند. عربستان با رواج وهابیت در کشور خود در سرکوب و مقابله با شیعیان کوشیده و همواره در بیم است تا مبدا شیعیان بحرین نیز در عربستان نفوذ پیدا کنند (شیرازی، ۱۳۹۱: ۶۵). عربستان با ساخت جاده‌ای به بحرین که در هنگام آشفستگی، ورود نیروهای نظامی به آن را بسیار آسان می‌کند، بحرین را در مسیر وابسته شدن به خود قرار داده است. عربستان علاقه ندارد از بی‌نظمی‌هایی که شیعیان در این کشور ایجاد می‌کنند، حمایت کند. به‌ویژه آنکه امکان گسترش آن به مناطق شیعه‌نشین عربستان در استان شرقی و گازخیز این کشور، چون قطیف و احساء نیز هست (آدمی، ۱۳۹۱: ۱۵۶).

نتیجه‌گیری

نقاط اتکاء چارچوب نظری پژوهش حاضر را می‌توان رویکرد سازه‌نگاری کاتزنشتاین در سطح واحد، با تأکید بر رابطه هنجارهای حقوقی، اجتماعی، داخلی، هویت و منافع دولت‌ها دانست. حال می‌توان با تلفیق این اصول بیان داشت که در واقع عوامل مشترک هویتی، فرهنگی و نیز منافع مشترک سیاسی و اقتصادی میان عربستان سعودی و بحرین تعیین‌کننده جایگاه بحرین در سیاست خارجی عربستان سعودی است؛ بدین‌سان که:

❖ عربستان و بحرین هر دو عضو اتحادیه عرب و نیز شورای همکاری خلیج‌فارس هستند و همسویی سیاست‌های بحرین با عربستان می‌تواند موقعیت استراتژیک عربستان را تقویت نماید؛

❖ یکی از مهمترین منافع مشترک میان عربستان و بحرین منبع انرژی همانند نفت و گاز است. از جمله موارد همگرایی در این راستا عبور یک پنجم نفت جهان از بحرین، وارد کردن سالانه ۱۱/۵ میلیون تن نفت خام از عربستان، کمک‌های بلاعوض عربستان به بحرین و افزایش سهم نفتی بحرین در حوزه مشترک نفتی ابوسفقه؛

❖ عامل دیگر، هراس عربستان از دموکراسی و تلاش در راستای حفظ و تأمین امنیت خود بود؛ چرا که عربستان با بحرین افزون‌بر پایه‌های مشترک هویتی همانند مذهب و زبان عربی، هر دو دارای نظام‌های حاکم از نوع پادشاهی هستند. می‌توان گفت چنانکه بهار عربی در بحرین به بر نشیند و نظام پادشاهی در این کشور ملغی گردد، زمینه‌ای را برای آگاهی مردم عربستان و شکل‌گیری جنبش علیه آل‌سعود فراهم می‌سازد؛

❖ با توجه به حضور ناوگان پنجم دریایی آمریکا در بحرین، سلطه عربستان بر سیاست‌مداران بحرین را می‌توان عاملی در راستای تحکیم و تقویت موضع و موقعیت سیاسی - نظامی عربستان دانست؛ چرا که این سلطه می‌تواند سبب همسویی هرچه بیشتر عربستان و آمریکا گردد؛

❖ اگر حاکمان اهل سنت (آل‌خلیفه) بر اریکه قدرت همچنان باقی باشند، باید نگرانی‌های عربستان را مبنی بر براندازی حکومت‌های اهل سنت و تبدیل ایران به قدرت برتر منطقه با هدف ایجاد یک هلال شیعی را متفقی دانست.

بدین‌سان می‌توان گفت در تحلیل الگوی رفتار عربستان در برابر بحرین، نه تنها به نقش عوامل و نیروهای مادی باید توجه داشت، بلکه به نقش عوامل هویتی و هنجاری نیز پرداخت. اگرچه گاهی منطق استراتژیک می‌تواند تبیین جامعی به دست دهد، اما سیاست هویت نیز می‌تواند

به خوبی بسیاری از زوایای مغفول رویکرد عربستان و دلایل اتخاذ رویکرد محافظه کارانه در بحرین را روشن نماید. بنابراین هویت به عنوان برساخته‌ای که از دل گفت‌وگو و تعامل‌های داخلی و بین‌المللی برمی‌خیزد، به ما کمک می‌کند تا پوشش‌های شکل‌گیری رفتار عربستان در برابر بحرین را تبیین نماییم.

نظریه سازه‌انگاری سطح واحد کاتزنشتاین بر آن است تفسیری از سیاست هویت به دست دهد و راهی برای شناخت این مسئله ارائه کند که چگونه فرهنگ، تاریخ، هنجارها و رویه‌ها و ارزش‌های مشترک و دیگر همبستگی‌های بین‌ذهنی یک به یک در تفسیر سیاست خارجی نقش دارد. بررسی عناصر هویتی بحرین و عربستان در این پژوهش کالبدشکافی از همه آن عناصر نیست؛ بلکه هدف روشن نمودن پیوندهای هویتی است که سرسپردگی در سیاست خارجی را موجب می‌گردد. بررسی عناصر هویتی و پیوندهای هویتی عربستان نشان‌دهنده جایگاه هویتی بحرین به عنوان متغیر مستقل و سیاست خارجی عربستان به عنوان متغیر وابسته است.

این پارامترها در کنار عوامل دیگر به صورت آرام عربستان را به سوی به کارگرفتن یک رویکرد جدید در سیاست خارجی خود پیش می‌برد. عربستان با خوانشی فرقه‌ای در لعاب مداخله ایران در جهان عرب، تغییرات مردم‌سالارانه در منطقه را به کارزاری جنگ سردی تبدیل کرد تا به سه هدف خود برسد: نخست، توازن قدرت منطقه‌ای را با جنگ نیابتی دوستان تکفیری خود در سوریه، لبنان و عراق علیه جمهوری اسلامی ایران بر هم بزند؛ دوم، مانع از سقوط متحدان منطقه‌ای خود همچون بحرین و یمن به تبع گسترش نفوذ بازیگران رقیب شود و سوم اینکه، تهدید تغییرات انقلابی در منطقه را از ریاض دور کند.

کتابنامه

- آدمی، علی (۱۳۹۱). «بحران بحرین و امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه راهبرد، سال ۲۱، شماره ۶۲.
- ابراهیمی، شهروز و دیگران (۱۳۹۱). «بررسی واکنش‌های آمریکا و عربستان به خیزش مردمی در بحرین»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۱۰.
- ابوالحسنی، سیدرحیم (۱۳۸۷). «مؤلفه‌های هویت ملی با رویکرد پژوهشی»، فصلنامه سیاست، دوره ۳۸، شماره ۴.
- احمدیان، حسن و محمد زارع (۱۳۹۰). «استراتژی عربستان سعودی در برابر خیزش‌های جهان عرب»، فصلنامه رهنامه سیاست‌گذاری، سال ۲، شماره ۲.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۳). «سازهانگاری: چارچوبی تئوریک برای فهم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، دانشنامه حقوق و سیاست، سال ۱، شماره ۱.
- اسدی، علی‌اکبر و محمدزارع (۱۳۹۰). «بحران بحرین: تعارض رویکردهای منطقه‌ای»، فصلنامه رهنامه سیاست‌گذاری، سال ۲، شماره ۲.
- افضلی، رسول و مهدی میرزاده کوهشاهی (۱۳۹۵). «تبیین ژئوپلیتیکی عدم استقرار دموکراسی در بحرین»، فصلنامه شیعه‌شناسی، سال ۱۲، شماره ۴۸.
- بحرانی، مرتضی و شهرام رجبزاده (۱۳۸۱). جنبش‌های سیاسی - اجتماعی بحرین، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- بخشی، احمد (۱۳۹۳). «ایران و آفریقای جنوبی: سیر تحول روابط دوجانبه و ظرفیت‌سنجی آینده»، فصلنامه روابط خارجی، سال ۶، شماره ۲.
- برچیل، اسکات و اندرو لینکلتر (۱۳۹۲). نظریه‌های روابط بین‌الملل، ترجمه سجاد حیدری‌فرد، تهران: جهاد دانشگاهی.
- برزگر، کیهان (۱۳۸۰). «عوامل تأثیرگذار بر سیاست‌های جدید بحرین»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۱۵، شماره ۳.
- بلاغ‌نیوز (۱۳۹۴). اهداف سیاست خارجی عربستان در غرب آسیا/آل سعود در منطقه به دنبال چیست؟، دسترسی: <http://www.bloghnews.com>
- پورحسن، ناصر و عبدالحمید سیفی (۱۳۹۲). «عربستان و رویارویی هژمونیک با بیداری اسلامی در حوزه خلیج فارس (بررسی موردی بحرین)»، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۶۲.

جنتی، علی (۱۳۹۱). «انقلاب بحرین؛ تأثیرات و واکنش‌ها در عربستان سعودی»، همشهری دیپلماتیک، شماره ۶۸.

حسینی، دیاکو (۱۳۹۴). «انحطاط ژئوپلیتیک عربستان سعودی در سوریه»، دسترسی: <http://www.irdiplomacy.ir/ndh>

رضایی‌پناه، علی (۱۳۹۳). «ریشه‌ها و بسترهای تحولات بحرین»، دسترسی: <http://www.rasanews.ir/detail/News/201074/41>

رفعت‌جاه، مریم و علی شکوری (۱۳۸۷). «ایترنت و هویت اجتماعی»، نشریه رسانه جهانی، شماره ۵. سلطانی‌نژاد، احمد (۱۳۸۵). «عوامل ژئوپلیتیکی مؤثر بر شکل‌گیری سیاست خارجی سوریه در بحران لبنان: ۱۹۷۵-۱۹۹۰»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ۲، شماره ۲.

شفیعی، نوذر و روح‌الله زمانیان (۱۳۹۰). «مفهوم سیاست خارجی از دیدگاه نظریه‌ها (واقع‌گرایی، لیبرالیسم و سازهانگاری)»، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۸۵.

شیرازی، مهدی (۱۳۹۱). جهان اسلام و تحولات ژئوپلیتیکی شیعه در دوران معاصر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.

صدیق، میرابراهیم؛ جمشیدی، محسن و پورعظیم، معصومه (۱۳۹۸). «نقش و جایگاه استراتژی دفاعی در راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه راهبرد سیاسی، سال ۳، شماره ۱۱، زمستان.

عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۳). نظریه‌های امنیت: مقدمه‌ای بر طرح‌ریزی دکترین امنیت ملی، تهران: ابرار معاصر.

کورت، پل و جفری لگرو (۱۳۹۰). هنجارها، هویت و حدود آن‌ها: یک تکرار نظری در فرهنگ امنیت ملی، نوشته پیترو جی کاتزنشتاین، ترجمه محمدهادی سمتی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

کوشکی، محمداصدق و مریم ناظم‌پور (۱۳۸۹). «بررسی چالش‌ها و موانع درونی دموکراسی در خاورمیانه با تأکید بر کشور بحرین»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۳۰.

کوهن، سائول برنارد (۱۳۸۷). ژئوپلیتیک نظام جهانی، ترجمه عباس کاردان، تهران: ابرار معاصر. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۵). «جنبش‌های سیاسی بحرین و ابعاد منطقه‌ای آن»، مجله سیاست خارجی، سال ۱۰.

مدنی، مهدی و حسین هواسی (۱۳۹۳). «رفتارشناسی سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال مصر و بحرین بعد از انقلاب‌های عربی»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال ۱۱، شماره ۳۹.

وثوقی، محمدباقر و علی کالیباد (۱۳۸۸). «مسئله بحرین در منازعات قدرت‌های منطقه‌ای خلیج

فارس در قرن دهم هجری/ شانزدهم میلادی»، فصلنامه تاریخ اسلام و ایران، شماره ۴.

هاشمی نسب، سیدسعید (۱۳۸۹). «بحران بحرین»، مجله پژوهش‌های منطقه‌ای، شماره ۵.

هوپیف، تد (۱۳۸۶). نوید مکتب برسازی برای نظریه روابط بین‌الملل، در کتاب: نواقع‌گرایی، نظریه

انتقادی و مکتب برسازی، ویراسته اندرو لینکیتز، ترجمه علیرضا طیب، تهران: دفتر مطالعات

سیاسی و بین‌المللی.

یاقوتی، محمد مهدی (۱۳۹۰). «تحلیل سیاست خارجی و هویت خارجی جمهوری اسلامی ایران»،

فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۵، شماره ۱.

Bahrain. Informacja o stosunkach gospodarczych z Polską, Ministry of Development
https://www.mr.gov.pl/media/22829/BAHRAIN_18_07_2016.pdf (accessed: 16.02.2017).

Bahrain Free Trade Agreement, Office of the United States Trade Representative
<https://ustr.gov/trade-agreements/free-trade-agreements/bahrain-fta>
 (accessed: 27.01.2017).

Barzegar, Kayhan (2012). The Arab Spring and the Balance of Power in the Middle East, Belfer Center for Science and International Affairs, October 30.

Blanchard, C.M. (2012). Saudi Arabia: Background and U.S. Relations, Congressional Research Service.

Business Friendly Bahrain, <http://www.bahrain.com/en/bi/Pages> (accessed: 2017/12/2).

Czornik, Katarzyna (2017). Bahrain as the area of Saudi-Iranian rivalry in the second decade of the 21st century. *Studia Politicae Universitatis Silesiensis* 2017, T. 19, s. 177—203.

katzman, Kenneth (2005). Bahrain: key issues for U.S policy. Congressional research service, at: <http://fpc.state.gov/documents/organiation/46433.pdf>.

Swift, Christopher. (2012). the Crisis in Yemen: Al-Qaida, Saleh, and Govermental Instability, the Foreign Policy Research Institute, 23 March.